

پروا نکنید

گر سخن رفت بهر سو غوغا نکنید
سخن دوست نیکو هست پروا نکنید

عیب جویی نکنید از سخن مرد حکیم
گر شنیدید سخن تلخ، انشأ نکنید

خاک افغان ز قدیم تلخ خبر ها دارد
چون فسرد خاطر تان هیچ مدارا نکنید

آنکه اظهار کند ظلم ترا بر وطنت
گر زند نیش ترا فکر بیجا نکنید

کشورم خیلی علیل است واسیربدان
آنچه آسیب و جفا دیده اخفا نکنید

ظلم روس شریرگشته فراموش چرا؟
دشنه بر قلب حزین دل شیدا نکنید

سخت دل تنگ شدم بهر خدا رحم کنید
مفت و ارزان وطنم بر کسی سودا نکنید

نفروشدند وطنش عاقل و فرزانه گهی
نخرد روس دگر باره جفا ها نکنید

اهل همت کند فکر دیار و وطنش
نشود بسته به زنجیر اجانب دردا نکنید

روز آزادی موعود رویم رقص کنان
پای کوبان به وطن، زود هویدا نکنید

مورچگان بال کشد وقت زوالش برسد
دود از کنده برون آید، حاشا نکنید

عالم نیک نظر از وطن دور شده
وصف هر جاهل و نادان به هر جا نکنید

ملک ما دهکده ماتم و افسانه نبود
این چه شوریست نگر ناله فردا نکنید

در عذابم ندانم ستم ناتو چراست؟
روسها کرده خرابم، هوس ما نکنید

من به یاد وطنم شیون و فریاد کنم
دوستان دل من، گریه بیجا نکنید

من که از غصه ایتم وطن زار شدم
شب شده جای دگر منزل و ماوا نکنید

هرچه شیرین بوده، تلخ شده ای یاران
حال آشفته من بر کسی رسوا نکنید

ارغوان زار دگر نیست چرا در وطنم
لاله و نرگس سنبل، گهی پیدا نکنید

دود از گوشه ایوان وطن گشته بلند
جاده و مندوی را، هیچ تماشا نکنید

قصر دار الامان رونق و بازاری داشت
سوی ویرانه آن، خنده بیجا نکنید

چهل ستون، تپه تاجببگ ز قدیم است ندیم
خشت آنرا نفروشید، واه وا نکنید

هیچ لعنت به بیگانه و ترسا نکنید
ظلم ناتو بدتر از روس شد اخفا نکنید

سوخت در آتش جنگ زنده و مرده ما
ای "نهان" قصه ظلم جهان کن عیان
محمد آصف "نهان" سدنی آسترالیا

26/04/2013